

مقالاتی درباره فیلسوف عجیب

— **امین یزیرکلیان**

گفتنی‌ها – ناگفتنی‌های «سرمقاله درباره فلسفه ویتگنشتاین» **ویلهم فینکول**
ترجمه: مالک حسینی
انتشارات هرمس
چاپ اول– ۱۳۸۵
قیمت: ۱۲۰۰ تومان

از برتراند راسل نقل شده است که روزی در اتاق مطالعه‌اش با ویتگنشتاین نشستہ بودند. ویتگنشتاین حدود دو ساعت هیچ حرفی بر زبان نیاورده و مثل مرده‌ها، ساکت بود. راسل به او می‌گوید، به منطبق فکر می‌کنی یا به گناهاات؟ ویتگنشتاین جواب می‌دهد: به هر دو و دوباره تا ساعت‌ها ساکت و خیره می‌نشیند. لودویک ویتگنشتاین، عجیب‌ترین و نامأنوس‌ترین فیلسوف متاخر، در سال ۱۸۸۹ در وین و در یک خانواده یهودی، متموّل و هنرمند به دنیا آمد. مهندسی می‌خواند اما به بیکاره با خواندن کتابی درباره منطق و ریاضیات از راسل، تغییر مسیر داد و به شاگردی راسل درآمد. در جنگ جهانی اول برای ارتش اتریش جنگید و اسیر شد. در هنگام جنگ و خدمت در ارتش بود که نخستین یادداشت‌هایش را که بعدها تحت نظارت راسل و با نام رساله منطقی – فلسفی منتشر شد، نوشت. این اثر در سال ۱۹۲۱ چاپ شد و مدعی بود که می‌تواند راه‌حل قطعی برای مسائل فلسفی باشد. ایده اصلی این کتاب این بود که منشاء پیدایش مسائل فلسفه، فهم نادرست منطق زبان بشری است. از نظر وی زبان تشکیل شده از قضاییایی است که جهان را تمثیلی می‌سازد، اما جهان تنها در زبان تمثیلی نمی‌شود بلکه نقاشی یا عکس، نقشه جغرافیایی و نمای شهر، حتی یک قطعه موسیقی نیز در زمره تصاویر محسوب‌اند. ویتگنشتاین وجه مشترک میان واقعیت و تصاویر را «صورت منطقی» می‌نامد. از نظر وی قضاییی که تصویر واقعی نیستند را باید شبه قضایا نامید همچون منطق، ریاضیات، مبانی علوم طبیعی، اخلاق و فلسفه. از نظر وی اینها تنها توتولوژی یا همانگوی و تکرار معلوم هستند و چیز تازه‌ی به ما نمی‌گویند و…

ویتگنشتاین بعد از انتشار کتاب رساله منطقی – فلسفی تا دو سال فلسفه را رها کرد و به معلمی و باغبانی پرداخت. او بعد از دو سال نوبته‌ی دیگر را آغاز کرد که بعدها تحت عنوان «پژوهش‌های فلسفی» منتشر شد و دوره دوم فکری ویتگنشتاین نام گرفت. او در این کتاب برخی از تئوری‌هایش در رساله منطقی – فلسفی را نقد کرد. او به تفصیل گونه‌ی ادراک و تلفی از زبان را مورد انتقاد قرار داد که میان زبان و معنی (دلالت) رابطه‌ی برقرار می‌سازد و… صاحب‌نظران بر آن همت گماشته‌اند و هر یک برگوشه‌ی از آن چنگ زده‌اند.

کتاب **کم‌حجم «گفتنی‌ها** – ناگفتنی‌ها» نوشته ویلهم فینکول، از جمله این نوشته‌هاست. فینکول استاد برجسته فلسفه در آلمان و صاحب کرسی در دانشگاه مونیخ است که تالیفات مطرحی درباره ویتگنشتاین دارد. کتاب از سه مقاله تشکیل شده و دارای این ویژگی است که دو دوره متمایز ویتگنشتاین را در کنار هم بررسی می‌کند و نه مجزا. مقاله اول تحت عنوان گفتن و نشان دادن: مساله اصلی ویتگنشتاین، به موضوع اصلی تراکتوس یا همان تمایز میان گفتن و نشان دادن می‌پردازد. پاسخ به این سوال که چرا ویتگنشتاین این تمایز را مساله اصلی فلسفه می‌داند، دغدغه فینکول در این مقاله است. مقاله دوم یعنی، سولیسم ویتگنشتاین، به امر تناقض آمیز در فلسفه ویتگنشتاین می‌پردازد. نویسنده با تفکیک میان سولیسم معرفی معاشناختی و سولیسم گرامری، نشان می‌دهد که چگونه خلط میان این دو بسیاری از تفسیرها بر نوشته‌های ویتگنشتاین را منحرف ساخته است. مقاله سوم درباره رنگ‌ها و مرز اندیشیدنی‌ها به نوشته‌های متاخر ویتگنشتاین و مساله دریافت حسی رنگ‌ها توجه می‌کند. از نظر ویتگنشتاین رنگ‌ها خالق معنایی هستند که در حیز میان تجربه و منطق نشسته‌اند، در سببسته مرزی اندیشیدنی‌ها. مالک حسینی با ویتگنشتاین آشناست و از او یا درباره او کتاب‌هایی را ترجمه کرده است. خواندن کتاب فینکول برای کسانی که با ویتگنشتاین آشنا هستند، بی شک تجربه لذت‌بخشی است.

گزارش فساد

سرطان اجتماعی فساد
فرامرز رفیع پور
شرکت سهامی
انتشار
چاپ اول – ۱۳۸۶
نسخه ۴۴۰۰
تومان ۳۲۵۰

اگر می‌خواهید اطلاعات نسبتاً جامعی درباره مساله و معضل فساد، که باعث تئوریک و چه از حیث آمار ی داشته‌باشد، کتاب «سرطان اجتماعی فساد» یک انتخاب دقیق است. کتابی که واقع یک پژوهش دانشگاهی با روشی آکادمیک اما در هیئت و قالب یک کتاب به همت فرامرز رفیع پور و توسط انتشارات «شرکت سهامی انتشار در دسترس علاقه‌مندان به این موضوع قرار گرفته است. انتشار پژوهش‌های دانشگاهی به هر حال اتفاق میمونی است. از طرفی برخی اطلاعات و داده‌ها را از انحصار کتابخانه‌های دانشگاهی بیرون می‌آورد و از طرف دیگر جامعه دانشگاهی را در معرض نقد قرار می‌دهد.



نوشتن درباره دموکراسی با ارائه تعریفی از دموکراسی به همان میزان که آسان به نظر می‌آید، اما نوعی ایهام و دشواری درون آن نهفته است که هم می‌تواند در نتیجه عرفی شدن دموکراسی باشد و هم می‌تواند در نتیجه پیچیدگی و تفاوت بین اصول و نهادهای دموکراسی در پی گذر زمان و تحول در ساخت حکومت‌های مدرن و امروزی باشد. آنچه امروزه محل اختلاف درباره دموکراسی است مفهوم و اصول دموکراتیک و با ارائه تعریفی قابل دفاع از دموکراسی نیست. بدون شک در تقسیم‌بندی کلی رژیم‌ها که به رژیم‌های باز و بسته یا رژیم‌های اقتدارگرا و دموکراتیک و… اشاره می‌شود و می‌توان با ارائه معیارهایی مثل قانونمندی، برابری حقوقی و سیاسی، آزادی فردی، دولت منتخب، مالکیت فردی، دوره‌یی بودن قدرت به عنوان اصول دموکراتیک، این نوع رژیم‌ها را از هم بازشناخت. اما این شناخت ممکن است ناقص باشد و با تبلیغات و یا استفاده از برخی از اصول دموکراسی و یا نهادهای دموکراسی به کتمان و پنهان کردن حقیقت دموکراسی مبادرت کرد. به عنوان مثال پارلمان‌ها از یکی از نهادهای مهم دموکراسی از جمله نهادهایی است که حتی در رژیم‌های بسته نیز دارای کار ویژه‌یی است که از آن طریق عنوان می‌شود دموکراسی همگانی شده‌است و به منظور راهی برای کاهش آسیب‌پذیری این نوع رژیم‌ها نیز مورد بهره‌برداری سیاسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال انتخابات پارلمانی با ریاست جمهوری که در فرانسه برگزار می‌شود حق آزادی انتخاب و امکان دوره‌یی بودن قدرت و اصل نظارت همگانی و مدنی بر ارکان قدرت را تضمین می‌کند و با انتخاباتی که مثلاً در پاکستان برگزار می‌شود، با انتخاباتی که در ونزوئلا و یا مصر برگزار می‌شود متفاوت است. در ونزوئلا پارلمان برای اداره کشور به رئیس جمهوری

چند سال پیش که کتاب «شورشیان آرمانخواه» ناکامی چپ در ایران» به چاپ رسید در شهرت بسزایی برخوردار شد و واکنش‌هایی را در پی داشت. پس از چاپ آن کتاب نویسنده، مقالات و گفت‌ وگوهای تکمیلی صورت داد که بعداً به صورت کتاب حاضر درآمد.

نویسنده در پیشگفتار توضیح می‌دهد که مقاله اول درباره نقش حزب توده در دوران صدارت دکتر مصدق و عملکرد آن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. این مبحث اگرچه از سوی

نگارنده و دیگران مورد بررسی قرار گرفته اما هنوز با ابهامات زیادی همراه است که امید می‌رود این تلاش‌ها مسائل را روشن کند. مقاله

ادامه برداشت دوم

خود نصر در بخشی از گفت‌وگو به این نکته تأکید می‌کند که اگر امکان مقدسه با انگیزه معنوی ساخته نشوند، تبدیل به بناهای ناسازی چون مقدس‌الجواد (واقع در میدان هفت تیر تهران) می‌شوند و تقدس فضا در آنها به کلی از بین می‌رود. به هر رو در این یادداشت، بیشتر با نگاهی انتقادی به کتاب «در جست‌وجوی امر قدسی» خواهم پرداخت و این به هیچ‌وجه نافی لذتی که از خوانش میجدان بر دم، نخواهد بود؛ زیرا کتاب، گفت‌وگوی کتاب بسیار دلپذیر و پرمحتوا.

اگر از حدود بیست مورد غلط چاپی و چندین مورد ایراد ترجمه بگذریم، به نظر می‌رسد بخشی که راجع به زندگی و به ویژه کودکی سیدحسین نصر است، اندکی گرفتار اطاله شده‌است. به ویژه آنکه مثلاً جای سوال است که «دیدن پشت سر رضاشاه» چه اهمیتی دارد که نصر به این اشاره می‌کند؟ یا اینکه خواننده بداند که نصر تا پیش از ده سالگی شاهنامه را به‌طور کامل خوانده‌است. نصر در این‌ا رضاشاه به عنوان بزرگترین قهرمان سیاسی در خاطره خود نام می‌برد که در اندیشه و عمل، مخالف مدرنیزاسیونی است که نماینده بارز آن پهلوی اول است. نصر اصرار دارد که او را با سیاست و کنش سیاسی کاری نیست. او به گمان خویش، وظیفه و رسالت دیگری دارد و بر این عقیده استوار است که ریشه‌یی‌ترین اصلاحات از بالا، یعنی از قلمرو فکر شروع می‌شود. اما آیا در دنیای امروز، فیلسوف می‌تواند به تمامی، پای اندیشه از گلیم سیاست برون‌کشد؟ آیا نصر معتقد است که فلسفه به خودی خود، دانشی است کامل و نیازی نیست که با سایر حوزه‌ها از جمله سیاست در هم آمیخته شود؟ اگر چنین باشد، پس تناقضی در رای او آشکار می‌شود؛ چگونه می‌توان به بحران محیط زیست پرداخت و ادعا کرد که با سیاست کاری نداریم؟ آن وقت «سبزه‌ها چه می‌کنند؟ آیا کار آنان فاقد وجهه سیاسی است؟ آیا «بی‌کنشی» است؟ گویی سوساس نصر بر غیرسیاسی بودن، اندکی گزافه است. فیلسوف در مقام نقد قدرت هرچند نباید دامن خویش را به مناصب حکومتی آلوده کند، اما نباید از این سو نیز از ورود به حوزه سیاست، بی‌مناک باشد. در این صورت آنچه اتفاق می‌افتد، «پستیایی در مباحث منجمد تافئیزیکی» است که حاصلی جز ملال نخواهد داشت. اما اندیشه‌های نصر، ملال‌انگیز نیستند، زیرا به اکثر حوزه‌هایی که امروزه دیگر «سیاسی» به شمار می‌روند، وارد شده‌است. نصر با رویکردی انتقادی، معتقد است که باید علم غربی را بر پایه جهان‌بینی «خودمان» بیاموزیم و در نقد آن بکوشیم

اصول و نهادهای دموکراسی

— **محمدحسین علیپور**

اختیارات ویژه می‌دهد و تحت فشار رئیس‌جمهوری چنین اختیاراتی به او واگذار می‌شود. شاید اغراق نباشد اگر بگویم که انتخابات آزاد به‌عنوان یکی از اصول پذیرفته شده دموکراسی که برای محقق شدن نظارت مدنی بر رفتار دولتبراست در رژیم‌هایی که سازوکارهای چنین فرآیندی در آن فراهم نباشد، به مرور موجب سرخوردگی از دموکراسی خواهد شد. در این نوع رژیم‌ها در ظاهر نهادهای دموکراسی مثل پارلمان دیده می‌شود، اما آیا این نهاد دموکراتیک امکانی برای محقق شدن اصول دموکراسی مثل انتخابات آزاد، نظارت بر قدرت و… است یا وسیله‌یی است برای تثبیت رژیم‌های فری یا به قدرت رسیدن گروه‌ها یا احزاب خودی؟ تجربه کشورهای دارای دموکراسی نشان می‌دهد که اصول و نهادهای دموکراسی شرط لازم و کافی برای محقق شدن دموکراسی هستند. یا اگر اصول دموکراسی با هم و هم‌وزن هم دیده نشوند و یا یکی بر دیگری اولویت مطلق داده شود، به عنوان مثال اگر برای خرید و مصرف کالاها و خدمات آزادی انتخاب قائل بود، اما برای نامزدی پارلمان یا ریاست‌جمهوری آزادی انتخاب قائل نبود یا هدف نظارتی انتخابات بر قدرت محقق نشود نمی‌توان انتظار داشت که دموکراسی برقرار شده‌است. نکته پراهمیت درباره وضع دموکراسی در رژیم‌های غیردموکراتیک و یا در حال گذار به دموکراسی بومی کردن اصول و نهادهای دموکراسی است که روشنفکران و اندیشمندان فلسفی و سیاسی در این گونه جوامع به آن توجه خاصی دارند. آیا اصول دموکراسی جهانشمول است یا بومی شوند؟ نهادهای دموکراسی چطور؟ آیا بومی بودن برای آنها قابل پذیرش است؟ یا این که تغییر شکل آنها چندان دارای اهمیت و حساسیت نیست؟ واقعیت این است که اصول دموکراسی چون به عنوان هدف نگریده می‌شوند و نهادهای دموکراسی وسیله‌یی هستند برای دستیابی به هدف، پس نمی‌توان جهانشمولی اصول دموکراسی را به عنوان ارزش‌های همیشگی و فراگیر دموکراسی با بومی کردن و منطبق کردن بر آداب، فرهنگ و رسوم محلی و ملی جوامع فروکاست.

یک بار دیگر تاریخ شورشیان آرمانخواه

دوم در مورد میراث مشی چریکی در دهه ۱۳۵۰ است. این مقاله کوشش در بیان دستاوردهای این جنبش دارد، اگرچه در بخش پیوست، به برخی مسائل پیرامون تصفیه‌های درونی نیز پرداخته شده‌است. مقاله سوم در مورد دستاوردهای سوسیالیست‌گراسی، تاریخ آن در ایران و مشکلات این جنبش در سطح جهان است. بخش دوم این مجموعه مصاحبه‌های نگارنده درباره تاریخ نوین ایران و چپ در ایران است. دکتر مازیار بهروز نشر اختران چاپ اول: ۱۳۸۵ قیمت: ۲۰۰۰ تومان

ناملانی پیرامون تاریخ شورشیان آرمانخواه در ایران
دکتر مازیار بهروز
نشر اختران
چاپ اول: ۱۳۸۵
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو در امریکااست.

و نیز آن را با جهان‌بینی خودمان درآمیخته و در آن جذب کنیم. جالب اینجاست که نصر اشاره‌یی به تولید دانش نمی‌کند و با رویکرد مصرف‌اندش غربی سخن می‌گوید، علاوه بر آن نوعی «دیگر‌بودگی» میان ما و غرب احساس می‌کند. تناقضی است که این بخش از دیدگاه‌های نصر وجود دارد، این است که علم و معرفت غربی، ملزومات و پیش‌زمینه‌های فکری و مبانی فرهنگی خاص خود را دارد و ما نمی‌توانیم بدون قبول و تجربه آن، وارد قلمرو علم غربی شویم؛ به نظر می‌رسد با این کار، بیشتر مرتکب شبیه‌سازی‌های تئوریک شویم تا کشف روش‌های علمی. از سوی دیگر، پذیرفتن سمت ریاست دانشگاه منتهی آرزیهام ساین، مهر تاییدی بود

بر ورود به ساحت سیاست و پذیرفتن مناسبات جهان مدرن. قصد از بیان مواردی چنین شاید به نوعی تلاش برای نشان دادن امتناع‌گریز از سیاست در فلسفه‌ورزی است که نصر می‌کوشد خود را به کلی از آن میرا سازد. البته خود نصر در جایی تأکید می‌کند که این سمت را برای ارتقای سیاسی خویش پذیرفته‌ام در اینکه ریاست دانشگاه یک کار علمی است، شکی نیست؛ منظور بیشتر این است که چگونه می‌توان سیاسی نبود؟ همانطور که می‌دانیم، نصر فلسفه سیاسی ندارد. او در باب حکومت و عدالت و آزادی نظریه‌پردازی نکرده

است؛ اما حوزه وسیعی از فلسفه اسلامی مورد مطالعه او، به‌شدت آبتسن چنین مفاهیمی است. با این همه به نظر می‌رسد نصر ورود به حوزه سیاست در فلسفه را به نوعی با ورود به حوزه قدرت متناخل می‌داند، درای همین در چند جا به تفصیل از مناصب و مسوولیت‌هایی که به او پیشهاد شد و از آنها راز کرد، سخن گفته‌است.

سیدحسین نصر اینکه بیشتر عمر خویش را در خارج از ایران سپری کرده‌است، همچنان خود را متفکری مسلمان و نیز ایرانی می‌داند. او به قول خودش «دچار غم غربت جانکاهی» است. اما ظاهراً این لنتنگی بیشتر متوجه اماکن مقدسه مانند مشهد و قم و نیز کوهستان و طبیعت ایران است، تا اتمسفر فکری و دانشگاهی اجتماعی آن. او طرفدار متحول ساختن نظام آموزشی برای استقرار نگرشی «واقعاً اسلامی» در برنامه‌ریزی

کتاب‌ها

دموکراسی در ایران از نظر تا عمل

— **حمید صدقات**

کتاب چرا دموکراسی؟ مجموعه مقالات محمدحسین علیپور مدیر مسوول نشریه توفیق شده ایران است که پیش از این در مجله آبان و سایر نشریات چاپ شده‌است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده‌است که مظاهر دموکراسی در رژیم‌های بسته در حال گسترش است ولی آنچه که در این گونه رژیم‌ها مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرد اصول و مبانی اصلی دموکراسی است که برای استقرار آن راه زیادی باقی مانده‌است. دیگر مشکلی که سعی شده‌است در این کتاب به آن بپردازد بحث ناپایداری دموکراسی در این جوامع

است که با تغییر شرایط جوامع نشانه‌های دموکراسی در آن تغییر می‌کند.

گاهی با گشایش نسبی فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این گونه جوامع شاهد نشانه‌هایی از دموکراسی هستیم اما پس از تغییر در شرایط و به روی کار آمدن دولتی توتالیتر تنها کورسویی از دموکراسی در این جوامع باقی می‌ماند.

کتاب مشتمل بر ۱۸ مقاله است.
رویکرد علیپور به دموکراسی رویکردی لیبرال است. این دیدگاه را می‌توان

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—

—